

درس حقوق خانواده

جلسه: چهارم و پنجم آموزشی

تاریخ: ۹ فروردین ۹۹

رشته مدیریت خانواده

ترم اول

مدرس: ورمزیار

دانشکده: زینب کبری (س)

با سلام و احترام

حلول سال نو و بهار پر طراوت طبیعت را خدمت شما عزیزان و خانواده
محترمتون تبریک و تهنیت عرض نموده و سالی سرشار از سلامتی و
سعادت و سر بلندی را از درگاه خداوند سبحان برای شما آرزومندم.

فصل سوم : موانع ازدواج

موانع نکاح اموری است که عدم آنها در نکاح شرط است و وجود آنها مانع صحت ازدواج می باشد.

این موانع عبارتند از : شوهر داشتن ، داشتن چهار زن دائمی، عد زن، قرابت در حدود معین،

مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق، لعان و احرام

۱- **شوهر داشتن** : شوهر داشتن زن یکی از موانع نکاح است و ازدواج با زن شوهر دار ضمانت

اجرای کیفری و مدنی دارد.

ازدواج با زن شوهر دار: طبق ماده ۱۰۵۰ ق.م. هرکس زن شوهر دار را با علم به وجود علقه زوجیت

و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام ابدی می شود.

طبق ماده ۱۰۵۱ ق.م. حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکور فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد.

نکته : در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود یعنی پس

از انحلال نکاح اول، زن می تواند با آن مرد ازدواج کند.

ازدواج با زن شوهردار جرم است و گر منجر به واقعه نگردد، طرفین این عقد باطل به شش ماه تا

دو سال حبس یا جزای نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهند شد و عاقد در این

زمینه به شش ماه تا سه سال حبس یا از سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه

شلاق محکوم خواهد شد و اگر سردفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از

تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید. (مواد ۶۴۳ و ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی)

داشتن چهار زن دائمی : در حقوق اسلامی تعدد زوجات به چهار زن دائمی محدود شده و استیفاء

عدد از موانع نکاح می باشد. استیفاء عدد در لغت به معنی کامل گرفتن است و در اصطلاح فقهی

آن است که مرد چهار زن دائمی داشته باشد، دیگر نمی تواند زن پنجمی به عقد دائم بگیرد. این

منع در قانون مدنی صریحاً ذکر نشده است. تعدد زوجات در کشورهای غربی ممنوع و برخلاف

نظم عمومی و اخلاق حسنه است؛ اما در کشورهای اسلامی، به پیروی از فقه اسلامی، در صورتی که از حد مقرر تجاوز نکند پذیرفته شده است.

سابقه تاریخی

تعدد زوجات قبل از اسلام: اسلام مبتکر تعدد زوجات نبوده است و تاریخ نشان می دهد که چند زنی قبل از اسلام در میان بسیاری از ملل وجود داشته است.

کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان می گوید: اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران ساسانی به شمار می رفت و در عمل تعداد زنانی که مرد می توانست داشته باشد به نسبت توانایی مالی او بوده است.

تعدد زوجات در اسلام: اسلام تعدد زوجات را به چهار زن دائم محدود کرد، وانگهی شرط مهمی برای چند زنی گذاشت که عبارت از شرط عدالت بود.

قرآن کریم در این باره می فرماید: **وَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَاتَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً**، یعنی اگر بیم دارید که عدالت نکنید فقط یک زن بگیرید.

نکته: عدالتی که شرط چند زنی است تساوی در حقوق زنان مانند نفقه و قسم است (فلاتمیلوکل

المیل فندروها کالمعلّقة) پس از یکی کاملاً رویگردان می شوید که او را بی تکلیف رها کنید. «۲۹/ نساء»

نکته: اسلام تعدد زوجات را برای موارد استثنایی تجویز کرده و اصل در اسلام نظام تک همسری است.

تعداد زوجات در حقوق کنونی

تعدد زوجات در قانون مدنی: در قانون مدنی ایران تعدد زوجات منع نشده است. دلایلی مانند نازایی زن، عدم قدرت او به ایفای وظایف زناشویی، ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج، عدم تمکین زن از شوهر و مخصوصاً فزونی عده زنان بر مردان در زندگی امروز هم می تواند چند زنی را در موارد استثنایی توجیه کند.

قانون حمایت خانواده (۱۳۴۶): طبق ماده ۱۴ این قانون، هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری اختیار کند باید از دادگاه تحصیل اجازه کند و دادگاه پس از انجام اقدامات ضروری این اجازه را خواهد داد. طبق بند آخر ماده ۱۴ اگر مرد زن دار بدون کسب اجازه از دادگاه اقدام به ازدواج مجدد می نمود به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می شد. ولی طبق نظر حقوق دانان و رویه دادگاه ها این ازدواج درست و نافذ است.

طبق ماده ۱۶ قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، مرد نمی تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر: ۱- رضایت همسر اول ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف

زناشویی ۳- عدم تمکین زن از شوهر ۴- ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب العلاج ۵- محکومیت زن ۶- ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر ۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸- عقیم بودن زن ۹- غایب مفقود الاثر شدن زن

طبق ماده ۱۷ این قانون، هرگاه مردی با داشتن همسر بدون اجازه دادگاه اقدام به ازدواج کند به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۱ سال محکوم می شود. همین مجازات مقرر است برای سردفتر و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشد. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری و اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

صدور گواهی عدم امکان سازش به درخواست زن اول : بنابر این قاعده در صورت ازدواج مجدد شوهر، زن اول حتی اگر به ازدواج رضایت داده باشد می تواند تقاضای گواهی عدم امکان سازش برای طلاق کند، در حالی که در قانون پیشین ، فقط در صورتی که شوهر بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار می کرد، همسر اول دارای حق طلاق بود ولی امروزه قاعده مذکور منسوخ تلقی می گردد.

ضمانت اجراء : طبق نظر شورای نگهبان مجازات مقرر در ماده ۱۷ غیر شرعی تشخیص داده شده است، لذا امروزه در عمل ازدواج مجدد بدون اجازه دادگاه فاقد ضمانت اجرای کیفری است مگر اینکه متخلف از لحاظ عدم ثبت ازدواج مجرم شناخته شود، از لحاظ مدنی هم ازدواج معتبر و نافذ شناخته می شود.

۲- **عده زن** : در عده بودن زن یکی از موانع نکاح به شمار می آید.

طبق ماده ۱۱۵۰ ق.م، عده عبارتست از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده نمی تواند شوهر دیگری اختیار کند.

مقررات عده در حقوق ایران از فقه امامیه گرفته شده است.

در توجیه عده دلایلی وجود دارد مانند : جلوگیری از اختلاط نسل، احترام به رابطه نکاح منحل شده، وجود مهلت برای تفکر و بازگشت به زندگی زناشویی در عده طلاق

اقسام عده: عده دارای اقسام مختلفی است : عده وفات - عده طلاق - عده فسخ نکاح - عده نزدیکی به شبیهه - و عده بذل یا انقضاء مدت در نکاح منقطع.

عده نزدیکی به شبیهه همانند عده طلاق است.

عده وفات : عده وفات یعنی مدتی که زن بعد از مرگ شوهر باید برای اختیار شوهر دیگر صبر کند که اصولاً چهار ماه و ده روز است.

طبق ماده ۱۱۵۴ ق.م، عده وفات چه در دائم و چه در منقطع چهار ماه و ده روز است، مگر اینکه زن حامله باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر و آلا مدت عده همان چهار ماه و ده روز است. فقها می گویند عده وفات «ابعد الاجلین» یعنی درازترین دو مدت است (فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل).
مسأله: هرگاه شوهر از محل سکونت زن غایب بوده و زن بعد از مدتی از فوت او آگاه شود بنا بر قول مشهور فقهای امامیه عده وفات از تاریخ آگاهی زن از فوت آغاز می شود.
مسأله: اگر در ایام عده طلاق، شوهر بمیرد، در عده طلاق رجعیه چون زن در حکم ازدواج است، زن باید از زمان فوت عده وفات نگهدارد اما در عده طلاق بائن یا فسخ نکاح تاثیری در وضع زن ندارد و لازم نیست عده وفات نگه دارد.

عده طلاق : اقسام عده طلاق

۱- عده زن آبستن: طبق ماده ۱۱۵۳ ق.م، عده زن آبستن تا وضع حمل است، لذا هرگاه با فاصله کمی بعد از طلاق زایمان روی دهد، عده منقضی می شود و زن می تواند بار دیگر ازدواج کند.

۲- عده زن غیر آبستن: طبق ماده ۱۱۵۱ ق.م، عده طلاق زن غیر آبستن سه طهر است. طهر در اصطلاح حقوقی عبارتست از پاکی زن از عادت زنانگی و نیز مدتی که بین دو عادت زنانگی قرار می گیرد.

نکته: اگر زن با اقتضای سن، یعنی با اینکه به سن یائسگی نرسیده و در سن زنانگی است که عادت می شوند، عادت زنانگی نبیند، مدت عده دقیقاً ۳ ماه خواهد بود.

۳- زنانی که عده طلاق ندارند: زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح، ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود. مقصود از زن یائسه زنی است که به سن یأس رسیده، یعنی سنی که دیگر امید باردار شدن ندارد. این سن به اعتقاد بعضی فقها ۶۰ سال و به قول گروهی دیگر ۵۰ سال و در زن قریشیه ۶۰ سال است ولی در حقوق ایران سن یائسگی عملاً مشخص نیست و به نظر کارشناس واگذار می شود.

عده بذل یا انقضاء مدت در ازدواج موقت

در عده بذل یا انقضاء مدت که مربوط به نکاح موقت است اگر زن حامل باشد مانند مورد طلاق عده او با وضع حمل منقضی می شود.

طبق ماده ۱۱۵۲ ق.م، عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است.

ازدواج یا زنا با زنی که در عده است

بطلان و حرمت ابدی: نکاح با زنی که در عده دیگری است در حکم نکاح با زن شوهردار است، لذا نکاح مزبور باطل و احياناً موجب حرمت ابدی است.

نکته: در صورت جهل به وعده و حرمت نکاح یا یکی از این دو و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل است ولی حرمت ابدی حاصل نمی شود ولی اگر یکی از زن و مرد عالم و دیگری جاهل باشد باز هم حرمت ابدی حاصل خواهد شد.

مسأله: اگر مردی با زنی که در عده است با جهل به بودن زن در عده و حرمت نکاح، ازدواج کند، بعد از انقضای عده با او نزدیکی نماید بنابر قول بعضی از فقها حرمت ابدی حاصل نخواهد شد.

بنابراین دو چیز موجب حرمت ابدی است: نخست: عقد با علم به عده و حرمت نکاح دوم: دخول در عده و هرگاه هیچ یک از این دو وجود نداشته باشد، حرمت ابدی پدید نخواهد آمد. (مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ قانون مدنی)

۴- **قرابت در حدود معین:** قرابت اعم از نسبی، سببی و رضاعی در پاره ای از درجات مانع نکاح است.

خویشانی که نکاح با آنها به علت قرابت ممنوع است محارم نامیده می شوند.

دلایل منع ازدواج با خویشان نزدیک: اولاً - ازدواج با خویشان نزدیک از نظر فیزیولوژیکی زیانبخش است. این دلیل تنها در مورد خویشان نسبی و رضاعی می تواند صادق باشد. ثانیاً - از نظر اخلاقی ازدواج با خویشان نزدیک منفور و محکوم است. ثالثاً - به اعتقاد خیرخواهان بشر صلاح مردم در این است که با خانواده های مختلف پیوند برقرار کنند تا بین آنها محبت و دوستی برقرار شود. و نیز ازدواج با خویشان نزدیک نظم و آرامش خانواده را بر هم می زند و موجب برقراری روابط نامشروع بین آنها می شود.

محارم نسبی: طبق ماده ۱۰۴۵ ق.م، نکاح با اقارب نسبی زیر ممنوع است، اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:

۱- نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا رود.

۲- نکاح با اولاد هر قدر که پایین رود.

۳- نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها هر قدر پایین برود.

۴- نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات

محارم سببی : برابر با مواد ۱۰۴۷ تا ۱۰۴۹ قانون مدنی نکاح بین خویشان سببی ذیل ممنوع است:

- ۱- بین مرد و مادر و جدات زن حتی بعد از انحلال ازدواج
 - ۲- بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد (فرزندزادگان) او بوده است.
 - ۳- بین مرد و اناث از اولاد زن، از هر درجه که باشند، مشروط بر اینکه بین مرد و زن نزدیکی واقع شده باشد.
 - ۴- بین مرد و خواهر زن مگر بعد از انحلال ازدواج با آن زن.
 - ۵- بین مرد و دختر برادر زن یا دختر خواهر زن، مگر با اجازه زن.
- اگر مردی با خواهر زاده یا برادر زاده زن خود بدون اجازه ازدواج کند، این ازدواج غیر نافذ است. ازدواج با نوه خواهر یا برادر زن نیز چنانچه فقهای امامیه گفته اند مانند ازدواج با دختر خواهر یا دختر برادر زن است.

۵ - مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق

سه طلاق متوالی : مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق از موانع نکاح به شمار می آید. طبق ماده ۱۰۵۷ ق.م. زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام می شود مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری درآمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت فراق حاصل شده باشد. تجدید ازدواج مرد با چنین زنی در صورتی مجاز است که : **اولاً**- زن با مرد دیگری ازدواج کند (محلل).

ثانیاً- نکاح دائم باشد نه موقت

ثالثاً- بین زن و این مرد نزدیکی واقع شده باشد.

رابعاً- نکاح به علتی مانند فوت شوهر یا طلاق منحل شده باشد.

نُه طلاق : طبق ماده ۱۰۵۸ قانون مدنی ، زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تای آن عدی است مطلقه شده باشد ، بر آن شخص حرام موبد می شود.

طلاق عدی نوعی از طلاق رجعی است و عبارتست از طلاقی که پس از آن مرد در ایام عده رجوع کند و با زن نزدیکی نماید.

۶ - کفر

ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان : طبق ماده ۱۰۵۹ ق.م. نکاح زن مسلمان با مرد غیر مسلمان جایز نیست.

هرگاه زن و شوهر هر دو کافر باشند و زن اسلام اختیار کند نکاح منحل خواهد شد. در این مورد فقهای اسلام گفته اند: اگر اسلام زن قبل از نزدیکی باشد در همان حال نکاح منفسخ می شود و زن را مهتری نیست ولی اگر اسلام زن بعد از نزدیکی باشد، انفساخ عقد منوط به انقضای عده است و زن مستحق مهر است.

ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان: در فقه اسلامی ازدواج مرد مسلمان با زن کتابیه (مسیحی، یهودی، زردستی) مجاز است اما ازدواج با زن غیر کتابیه را منع کرده است. در فقه امامیه قول اشهر این است که فقط نکاح منقطع با زن کتابیه جایز و نکاح دائم باطل است و این قاعده در حقوق فعلی ایران مورد قبول می باشد.

هرگاه زن و شوهر کافر باشند و مرد اسلام آورد و زن کتابیه باقی بماند نکاح به اعتبار خود باقی خواهد ماند گرچه نکاح دائم باشد. اما اگر زن و شوهر مسلمان باشند و زن مرتد شود نکاح منحل خواهد شد و چنانچه ارتداد قبل از نزدیکی با زن حاصل شود نکاح منحل خواهد شد و لی اگر ارتداد بعد از نزدیکی روی دهد، انفساخ نکاح متوقف بر انقضای عده است و اگر زن در مدت عده به اسلام بازگشت نکاح ادامه می یابد.

۷ - لعان (حذف)

لعان یکی از موانع نکاح است. لعان (به کسر لام) در لغت به معنی یکدیگر را نفرین کردن و در اصطلاح حقوقی آن است که زن و شوهر با سوگندهای ویژه ای یکدیگر را تخطئه کنند. تحقق لعان زمانی است که شوهر به زن نسبت زنا دهد یا فرزندی را که زن به دنیا آورده از خود نفی کند. طبق ماده ۱۰۵۲ ق.م، تفریقی که با لعان حاصل می شود موجب حرمت ابدی است.

۸ - احرام : احرام حالتی است که زائر خانه خدا با انجام تشریفات مذهبی و پوشیدن جامه

خاصی که نشانه آغاز اعمال حج است پیدا می کند . او را در این حال محرم می گویند. اگر کسی در حال احرام ازدواج کند عقد باطل است و اگر علم به حرمت نکاح داشته باشد بعدها هم نمی تواند با طرف دیگر ازدواج کند (حرام مؤبد)

سؤالات جلسه ۴ و ۵

۱- اگر مردی بدون اجازه زن خود با خواهر زاده او ازدواج کند ، ازدواج مجدد مرد در چه صورتی صحیح است ؟ ۰/۲۵ نمره

الف) اگر زن اول (خاله) ازدواج دوم را که بدون اجازه او واقع شده تنفیذ کند درست است .

ب) بطور کل ازدواج با خواهر زاده و برادر زاده زن باطل است .

ج) زن اول چه اجازه بدهد چه اجازه ندهد ازدواج دوم درست است .

د) موارد الف و ج درست

۲- مدت عدّه طلاق در زن یائسه چقدر است؟ ۰/۲۵

الف) چهار ماه و بیست روز (ب) چهل و پنج روز (ج) سه طهر (د) عده ندارد

۳ - استیفاء عدد به چه معنا است ؟ و در کدام یک از موانع ازدواج مطرح می شود ؟ ۰/۲۵

الف) پرداخت کامل / مطلقه به سه طلاق (ب) کامل گرفتن / داشتن چهار زن دائمی

ج) پرداخت کامل / کفر (د) کامل گرفتن / شوهر دار بودن

طبق ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی، زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده ، بر آن مرد ... می شود ، مگر به عقد ... به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از رابطه زناشویی از او جدا گردیده باشد .

الف) حلال / موقت (ب) حرام / موقت (ج) حلال / دائم (د) حرام / دائم

۴ - اگر زن و شوهر هر دو مسلمان باشند و زن مرتد شود ، نکاح چه وضعیتی خواهد داشت ؟ ۰/۲۵

الف) نکاح به اعتبار خود باقی است . (ب) نکاح منحل خواهد شد .

ج) نکاح جایز است . (د) ارتداد زن تاثیری در نکاح ندارد

۵- سه مورد از موانع ازدواج را نام ببرید. ۰/۷۵

۶- بر اساس قانون حمایت از خانواده مرد چه موقع می تواند با وجود داشتن زن ، همسر دوم

اختیار کند؟ (سه مورد کافی است) ۰/۷۵